

ضرورت سازماندهی اتحاد طبقاتی در ایران

بازنگری هشدار دهشتناک برای بحران بیکاری جنبش کارگری ما!

امیرجوهری لنگرودی

info@karegari.com

یکشنبه ۱۱ آذر ۱۳۹۷ برابر با ۰۲ دسامبر ۲۰۱۸



انعکاس خبر ویرانگر بحران بیکاری با انتشار چند سند در سایت خبرگزاری تسنیم نزدیک به سپاه پاسداران در مرداد ماه ۱۳۹۷ کلید خورد. در این اسناد اعلام شد: «تعدیل و اخراج نیروهای کار قطعه سازان تا سقف ۴۵۰۰۰۰ هزار نفر آغاز خواهد گردید». نباید از یاد برد؛ از پس تحریم های امپریالیسم آمریکا و هم پیمانان سرمایه جهانی آن؛ خطر میلیونی بیکاری در ایران در برابر چشمان ما است! در ایران کارگران شرایط فوق العاده غیر قابل تاملی را زیر چرخه سرمایه بادشواری های غیر قابل توصیف پشت سر می گذارند. عدم امنیت شغلی برای کلیه ی کارگران عمومیت دارد و آنان مجبورند بخاطر ترس از اخراج از بسیاری از حقوق خود چشم ببوشند. می توان گفت: تقریباً روزی نیست که خبر اخراج و بیکار شدن از کار، در درون خانه کارگری نیچد که فلانی هم اخراج شد. روزی نیست که از تعطیلی و اخراج، بیکار شدن و از گردش کار و ماندن، خیل وسیع کارگران در سطح شبکه های مجازی باز خورد پیدا نکند. می توان نوشت: آمار دولتی قابل استنادی در رابطه با موج میلیون ها بیکار و اخراجی از کار در دسترس نیست و ارائه آمار شفاف در هر حوزه ای خاصه جنبش پُرونیق کارگری جزء خط قرمزهای نظام اسلامی است. با اینهمه انعکاس اسناد زیر گویای یک رقم تکان دهنده است.



در سندی با امضاء مشترک : احمد نعمت بخش (دبیر انجمن صنفی خودروسازان ایران) و مازیار بیگلو (دبیر انجمن سازندگان قطعات و مجموعه های خود رو) با عنوان " اعلام بحران - فوری " آمده است : « صنعت خودروسازی و قطعه سازی کشور از شهریور ماه ۱۳۹۷ متوقف گردیده و تولید خود رو کشور به میزان حداقل هشتاد درصد کاهش خواهد یافت » و در سند دیگری با امضاء سید مرتضی مرتضوی (رئیس انجمن سازندگان قطعات و مجموعه های خودرو) در تاریخ سیزدهم (۱۳) مرداد ۹۷ ، خطاب به وزیر کار ، تعاون و رفاه اجتماعی آن روزگار علی ربیعی آمده است : « ... بدین وسیله به اطلاع میرساند که بحرانهای اقتصادی که در ماههای اخیر دامنگیر کشور گردیده است، مخرب ترین و ویرانگرترین تأثیرات را بر پیکره این صنعت گذاشته است که در صورت عدم ورود وزارتخانه های صمت ، اقتصاد و کار به این موضوعات ، موجب تعطیلی نیمی از واحد های تولید قطعه کشور گردیده و متعاقب باعث بیکاری بیش از ۲۵۰۰۰۰ نفر از شاغلین این صنعت خواهد گردید» دریکی از چهار سند ارائه شده آمده است : « احتمالاً از پایان شهریور تعداد ۴۵۰۰۰۰ هزار کارگر از ۸۵۰۰۰۰ هزار نفر که در قالب ۱۰۵۰ شرکت قطعه ساز ، در کشور کار می کنند ، با سقوط این صنعت از کار بیکار می شوند. (۱) با کلید خوردن تحریم های اعلام شده ترامپ رئیس جمهور امیرالیسم آمریکا، نا کارآمدی گسترده فرایند چرخه تولید تا حد زیادی در بحران فرو رفته و صنایع یکی پس از دیگری رو به تعطیلی و توقف افتاده و مشکلات حاد تری برای مجموعه صنایع تولیدی ما حادث شده است . به گزارش ایلنا چند روز پیش داوود میرزایی (دبیر اجرایی تشکیلات خانه کارگر ساوه و زرنديه) در ارتباط با مشکلات دو شرکت عمده قطعه سازی واقع در شهرک صنعتی کاوه در شهرستان ساوه (شرکت صنایع ریختهگری ایران و شرکت تولیدی مهندسی و تامین قطعات آرمکو) گفت: باتوجه به مشکلات کنونی شرکت های خودروسازی و زیرمجموعه های آنها یعنی شرکت های قطعه سازی که مشکلات حادثتری برای آنها ایجاد شده است، چندین شرکت قطعه سازی تعطیل و کارگران آن بیکار شده اند. وی یاد آور شد : « شرکت های بزرگی نظیر شرکت ریختهگری ایران، شرکت آرمکو (رادیاتور سازی) و شرکت یدکی موتور ایران (سوپاپ سازی) که از برندهای

اصلی قطعه‌سازی نه تنها در ایران بلکه در خاورمیانه بودند، این روزها به‌خاطر مشکلات نقدینگی، نبود کار و بازپرداخت بدهی‌هایشان از طرف شرکت‌های خودروسازی مشکلات عدیده‌ای برایشان ایجاد شده و عملاً کارخانه‌ها را متوقف کرده‌اند.» در ادامه میرزایی در اشاره به شرکت ریخته‌گری ایران عنوان داشت: «این شرکت یکی از بهترین واحدهای قطعه‌سازی خاورمیانه بود که به تولید سیلندر و میل‌لنگ خودروهای سبک و سنگین و ریخته‌گری قطعات چدنی می‌پرداخت. این شرکت در ایران نمونه نداشت. اما متأسفانه امروز با بی‌تدبیری مسئولان صنعت در آستانه توقف تولید قرار دارد. این شرکت در دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰، حدود ۸۰۰ نیرو داشت و زیر نظر سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران بود. شرکت بعدها به بانک صنعت و معدن و در انتها به گروه بهمن واگذار شد و اکنون تعداد نیروهای آن در حدود ۳۰۰ و ظرفیت تولید آن در سطح ۲۰ درصد است. عامل کاهش شدید کار و تولید آن هم، شرکت‌های بزرگ خودروسازی به‌ویژه یکی از خودروسازان بزرگ است.» وی افزود: «امروزه به دلیل مشکلات نقدینگی، عدم پرداخت مطالباتش از سوی خودروسازان و عدم تهیه مواد اولیه‌اش (آلومینیوم و مس) از سوی شرکت سالکو اکنون روزگار ناخوشی دارد و با ظرفیت ۲۰ درصد تولید می‌کند. سه ماه دستمزد کارگران آن (شهریور، مهر و آبان) هم معوق شده است. این شرکت، در حال حاضر حدود ۳۰۰ کارگر دارد و تحت مالکیت بخش خصوصی است.» (۲) در همین رابطه باز بهرام پارسایی نماینده مردم شیراز آمده است: «بیشترین آمار بیکاری مربوط به کارگران قطعه‌سازی‌ها است.» در تیتراژ خبر آمده است: «حقوق کارگران را افزایش نمی‌دهیم، لااقل بیکارشان نکنیم» وی گفت: «با اشاره به این‌که قدرت خرید مردم کاهش یافته است، بیان کرد: «کارگران امروز یک یا دو میلیون دستمزد دریافت می‌کند که باتوجه به شرایط ارزشش به نصف رسیده بنابراین اگر نمی‌توانیم حقوقشان را در این تورم افزایش دهیم حداقل کاری نکنیم که آمار بیکاری در جامعه کارگری افزایش پیدا کند.» (۳) سر انجام گزارش مسئولانه خانم نسرين هزاره مقدم در همان روز چهارم آذر طی گزارشی همه‌جانبه در ایلنا همه‌پرده‌ها را به کناری می‌نهد و سو تیرگزارش " ما قبلاً (هشدار) داده بودیم" می‌نویسد: «در شرایطی که تعداد کارگران شاغل در خودروسازی و قطعه‌سازی، ۸۰۰ هزار نفر است، تعدیل ۱۰۰ هزار نفر در قطعه‌سازی‌ها «**وحشتناک**» است؛ این آمار یعنی یک/هشتم کارگران شاغل اخراج شده‌اند. بیگلو در این رابطه می‌گوید: وقتی تیراژ تولید به نصف ظرفیت قبلی رسیده، نباید از آمار تعدیل‌ها تعجب کرد؛ قبلاً هم در نامه‌ای که تابستان منتشر کردیم، نسبت به بحرانی شدن اوضاع هشدار داده بودیم و این بحران فعلی را پیش‌بینی کرده بودیم. او ادامه می‌دهد: **ما هشدار داده بودیم که اگر روند فعلی ادامه پیدا کند، نصف شاغلان صنعت خودرو، یعنی ۴۰۰ هزار نفر تعدیل می‌شوند.**

خطاب بیگلو و همکارانش با کیست؟ آیا دولت باید مواد اولیه و تسهیلات فراهم کند تا کارخانجات وابسته به صنعت خودروسازی سرپا بمانند و کارگران بیکار نشوند؟ دبیر انجمن قطعه‌سازان می‌گوید: «ما طرف حساب‌مان همه‌ی نهادهای درگیر است؛ خطاب‌مان هم به دولت است و هم به مجلس و هم به نهادهای فراقوه‌ای مثل بانک مرکزی. توقع داریم همه‌ی این نهادها به مطالبات‌مان توجه کنند و خواسته‌های ما را برآورده نمایند.» بیگلو بر این باور است «قطعه‌سازی تاب و توان ندارد؛ شرکت‌هایی هم که تا امروز تعدیل نداشته‌اند فقط به این دلیل است که تعداد روزهای کاری را از شش یا هفت روز در هفته به چهار تا پنج روز کاهش داده‌اند. او البته تأکید می‌کند که اگر شرایط بهبود نیابد، موج تعدیل‌های بیشتر در راه خواهد بود.» (۴) تأکیدات از خبرنگار است.

همچنین خانم نسرین هزاره مقدم خبرنگار ایلنا ، پیشتر طی گزارشی مهر ماه در رابطه با بیکاری و تعطیلی های نگران کننده از قول عیدعلی کریمی (دبیر اجرایی خانه کارگر قزوین) آورده بود : « ۶۰ ، ۷۰ درصد واحدهای تولیدی استان قزوین در کُما هستند. ۳۰ درصد باقیمانده هم فقط چراغشان روشن است و به اصطلاح «لک و لک» می‌کنند. او آمار تعدیل‌ها را وحشتناک توصیف می‌کند و می‌گوید: مردم حقوق‌بگیر دارند «فوج فوج» بیکار می‌شوند؛ در همین استان قزوین، ماه گذشته (شهریور) نرخ تعدیل بسیار بالا بود؛ در آبیک ۲۴۸ نفر، در شهر صنعتی البرز ۳۲۶ نفر، در بوئین زهرا ۴۴ نفر، در تاکستان ۱۵۱ نفر و در قزوین ۲۱۲ نفر تعدیل شدند که در مجموع می‌شود ۸۸۱ نفر تعدیلی در یک ماه.» کریمی ادامه می‌دهد: « این اعداد فقط برای یک ماه بود؛ در شش ماه گذشته تا انتهای شهریور، ۴۸۲۰ کارگر در استان قزوین تعدیل شده‌اند؛ تازه این آمار، قطعی و دقیق نیست و فقط مربوط به واحدهایی‌ست که تعدیل و تعطیلی را به اداره کار خبر می‌دهند. خیلی واحدهای کوچک هستند که درش را می‌بندند و می‌روند و هیچکس هم خبردار نمی‌شود.» (۵)

خوب همین حد آمار ارائه شده توسط خبرگزاری و سایت دولتی ایلنا ، نشان می‌دهد که بیکاران امروز ، کارگران دیروزاند و این آمار هم همه آمار موجود نیست و اساسا در ایران دسترسی به آمار واقعی تنها در تیر رس از ما بهتران است نه عموم مردم. در این رابطه خبرگزاری دولتی مهر به قلم خبرنگار خود محمد جندقی اعلام داشته است : « در دوازده سال گذشته، ۳ دولت نهم، دهم و یازدهم مدیریت اجرایی کشور را در دست داشتند و این مدت، در سه بازه زمانی سال‌های ۸۴ تا ۸۸ (مدیریت دولت نهم)، سال‌های ۸۸ تا ۹۲ (مدیریت دولت دهم) و سال‌های ۹۲ تا ۹۶ (مدیریت دولت یازدهم) قابل تقسیم بندی است. بر این اساس، نرخ بیکاری کل کشور در دولت نهم، از ۱۱٫۵ درصد در سال ۸۴ آغاز شد و در سال ۸۵، به ۱۱٫۳ درصد، در سال ۸۶ به ۱۰٫۵ درصد و در سال ۸۷ نیز به ۱۰٫۴ درصد رسید تا اینکه نرخ بیکاری ۱۱٫۵ درصدی در ابتدای دولت نهم به ۱۰٫۴ درصد در سال پایانی این دولت برسد. « برپایه آنچه آمده گزارش می‌نویسد : « همچنین در سال ۹۵ نیز «نرخ مشارکت» با رشد حدود یک میلیون نفری، به ۲۵٫۷۹۱ هزار نفر رسید و در برابر این رشد، حدود ۵۰۰ هزار نفر به نرخ بیکاری هم اضافه شد.» (۶) و امروز از یک سو پیکره بیکار سازی شکل میلیونی به خود گرفته است و از دیگر سو ، در ایران میلیون ها تهیدست خانه خراب روستایی بدلیل بحران آب و خشکسالی مداوم برآمد های وحشتناک محیط زیستی مجبورند، زمین های کشاورزی خود را جا بگذارند و به امید یافتن لقمه نانی ، روستاها ، زاغه ها، حصیر آباد ها ، حلبی آبادها ، گودهای حاشیه شهرها را رها کرده و سرگردان مانده و بطور مستمر راهی شهر های دور و نزدیک روستاهای خود گردند. این مجموعه کنده شدن از روستا ها ، راهی بی بازگشت است که خود دامن زننده وسعت بحران های ادواری برای جامعه ما شده و رشد بیکاری حاصل از این جابجایی ها در سطح روستاها و خود شهر ها به وسیع ترین شکل خود را عریان می نماید.

چه می توان کرد ؟

برما روشن است آنگاه که کارگران از کار بیکار می شوند و به خیابان میریزند پای قوای سرکوب برای پراکنده آنان ؛ نظیر آنچه پیشتر در معادن بافق - آق دره و در هپکو ، آذر آب اراک و امروز در اهواز و شوش شاهدیم رخ خواهد داد. این رخداد بیشتر در حق لایه های محروم و آسیب پذیر با قساوت هر چه تمام تر حادث می گردد و دامنه این بخش از سرکوب ها با بدتر شدن وضع معیشتی و افزایش بیکاری و محرومیت ها رو به افزایش می رود . لذا در چنین وضعیتی، پیوند متقابل مطالبات، نارضایتی ها و

اعتراضات در هر دوی حوزه های حقوق اجتماعی و آزادی های پایه ای، اهرمی است برای مقاومت جمعی هر چه موثرتر در برابر سرکوب حاکمیت عریان و سرکوب گر که تمام قد شمشیر از رو بسته تا فصل مشترکات تمامی جنبش به پا خواسته مطالباتی را سرکوب نماید.

چاره رنجبران : وحدت و تشکیلات است !

شعاری که بیش از صد سال پیش به این سو، و از هنگامه نطفه بستن رودررویی کار و سرمایه در برابر یکدیگر، پیشروی ما است و طبقه ما جز روی آوری به گرد هم و حفظ یکانگی و وحدت نیروی خود و متشکل شدن ، هیچ راه و چاره دیگری در برابر خویش ندارد.

مادامیکه متشکل گردیم ؛ همسانی قدرت و توان ما خود را نشان می دهد و آنگاه که متفرق و پراکنده ایم ، از هر طرف بر فرق مان خواهند کوبید. از اینرو انسجام و اتحاد کارگران با یکدیگر و پس آنگاه همراه شدن و اتحاد با سایر اقشار مزد و حقوق بگیر جامعه و تلاش برای سازمان یابی ، تشکل های صنفی مستقل یکی از آلترناتیوهای فرازمند و بسیار قدرتمند در برابر چرخه سرمایه داری برای یکایک کارگران است که با کمک یکدیگر می توانند به دستاوردهایی که سالیان سال برای آن تلاش و مبارزه کرده اند دست یابند. لذا باید با صدای بلند بر زبان راند : هیچ راه چاره ای برای مقابله با سلسله مشکلات پیشروی ما در تمامیت جغرافیای ایران ، به جز تلاش در جهت ایجاد تشکل های مستقل و سراسری کارگران و زحمتکشان باقی نمی ماند.

باید گفت : منفعت پیکره این همه کارگران بیمار شده و اخراجی دریک چیزتعریف می گردد و آنهم بازگشت برسرکاری باشد . خود همین بازگشت مضمون متشکل شدن و متحد شدن این خیل وسیع دهها ، صد ها ، هزاران نفره و میلیون ها کارگر بیکار شده را ظرف خود سامان خویش معنی می بخشد. چنانچه این نیروی پُرشمارمتشکل گردد و قدرت میلیونی خود را جمع کند و با ایجاد صندوق بیکاری بتواند تشکیلات منسجم و مستقل شان را سازمان دهند ، امروزبیش ازهرچیز، پایه ریزی استوارانه تشکلی را بنیان گذاشته اند ، اولاً مضمون کارآن روشن است ، ثانیاً درپوشش سراسری تعریف می گردد ثالثاً هیچ چیزی فرا تراز اخراج و بیکار شدن ازکار، آن ها را تهدید نمی کند.

سازماندهی بیکاران به عنوان یک لشکرشورشی و عاصی نیروی عظیمی را به جنبش اعتراضی پیوند می دهد و عامل تضعیف دیکتاتوری و تقویت پیکار ضد دیکتاتوری است. ازاین رو توجه به وضعیت جوانان بیکار، تاکید بر اهمیت سازمان یابی بیکاران، فراخوان به جوانان بیکاردربهره برداری ازپیوندهای دوستی؛ آشنایی و خانوادگی میان خویش در ایجاد هسته های اعتراضی، بهره برداری ازاینترنت به عنوان وسیله شبکه سازی میان جوانان بیکار، راهکارهایی برای تقویت اعتراض جمعی علیه بیکاری است.

برای کارگران ما ، در چنین شرایط بس دشوار و بحرانی ، جز متشکل شدن و تشکلات مستقل خود را سازمان دادن ، هیچ راهی وجود نداشته و ندارد. به باور من ؛ در چنین هنگامه ای رودررویی جبهه کار و سرمایه، برای همه نیروهای اردوی کار اعم از توده کارگران شاغل و نیروی میلیونی بیکاران راهی جز سازمانیابی و متشکل شدن در پایگان خویش در محیط کار و محیط زیست شان باقی نمی گذارد. مبارزه برای سراسری شدن تشکل مستقل کارگران و زحمتکشان و تشکل مستقل بیکاران برای دست یابی به کار یا شعار بازگشت برسر کار به عنوان خواست مشترک ، بی واسطه و قابل لمس برای همه

زحمتکشان ایران نیازی عمومی و همگانی است . تنها همین پیکره میلیونی بیکاران در صورت متشکل شدن تنها و تنها حول دست یابی به کار و بازگشت برسر کار و برخورداری از تامین اجتماعی قانونی و یا برخورداری از حق معیشت لازم و تامین برابر زندگی برپایه دستمزد لازم در برابر سبب هزینه زندگی ، می تواند نقطه اتصال این جنبش عظیم بیکاران باشد .

لذا برای پایان بخشیدن به پراکندگی ها در سطوح مختلف و عدم تشکل یابی ، جدا سری نیروی رنج و کار در پهنای جامعه هشتاد (۸۰) میلیونی ما ، می تواند بزرگترین عامل ناکارایی و نا کارآمدی و عدم موفقیت کارگران در وصول مطالبات خویش و خاصه تضمین امنیت شغلی یکایک آنان تلقی گردد که بعد از چهار دهه همچنان برگردیده یکایک آنان سنگینی می کند. باید و می توان براین مشکل فائق آمد آنگاه که متشکل گردیم و ریشه جدا سری و انفراد را بخشکانیم ، کاروان بزرگ اردوی کارگران و زحمتکشان شهری و روستایی برای تصرف قدرت و سازمان یابی براه خواهد افتاد!!

در یک کلام : پیروزی همه بیکاران و کارگران اخراجی در گرو به میدان آمدن و متشکل شدن همه آنان است . یگانه چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است. در این باب باز هم سخن خواهیم گفت.

منابع :

* - (۱) - خبرگزاری تسنیم ، گزارش احتمال بیکار شدن ۴۵۰ هزار نفر در صنعت قطعه سازی، ۲۲ مرداد (۹۷)

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1397/05/22/1801305>

* - (۲) - خبرگزاری کار ایران - ایلنا ، صنایع ریخته گری ایران و آرامکو، نهم ۹ آذر ۹۷

<https://www.ilna.ir/%D8%A8%D8%AE%D8%B4-%DA%A9%D8%A7%D8%B1%DA%AF%D8%B1%DB%8C-9/697125->

* - (۳) - خبرگزاری کار ایران - ایلنا ، بیکاری آمار کارگران ... ، ۴ ، آذر ۹۷

<https://www.ilna.ir/%D8%A8%D8%AE%D8%B4-%D8%B3%DB%8C%D8%A7%D8%B3%DB%8C-3/694771->

* - (۴) - خبرگزاری کار ایران - ایلنا ، بیکاری آمار کارگران ... ، ۴ ، آذر ۹۷

<https://www.ilna.ir/%D8%A8%D8%AE%D8%B4-%DA%A9%D8%A7%D8%B1%DA%AF%D8%B1%DB%8C-9/690450->

* - (۵) - خبرگزاری کار ایران - ایلنا ، آمار بیکاری و تعطیلی نگران کننده است ... ، ۱۷ ، مهر ۹۷

<https://www.ilna.ir/%D8%A8%D8%AE%D8%B4-%DA%A9%D8%A7%D8%B1%DA%AF%D8%B1%DB%8C-9/677797->

* - (۶) - خبرگزاری دولتی مهر ، کارنامه ۳ دولت در مواجهه با بیکاری ، محمد جندقی، جمعه ۲۵

فروردین ۱۳۹۶

<http://www.mehrnews.com/news/3952066>